

نوع مقاله: ترویجی

بررسی اهمیت و جایگاه شیوه تربیتی پرسش و پاسخ در قرآن

ali_hosseini@rihu.ac.ir

z.zarei52@yahoo.com

سیدعلی حسینی‌زاده / دانشیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زهرا زارعی محمودآبادی / طلبه سطح ۴ حوزه علمیه حضرت زهرا^{علیها السلام} میبد

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸

دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۹

چکیده

از شیوه‌های تربیتی مؤثر در فرایند یادگیری و آموزش، روش پرسش و پاسخ است. آیا از این شیوه در قرآن و سیره ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} استفاده شده است؟ در این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی با تحلیل آیات و روایات و سیره معصومان^{علیهم‌السلام} به دنبال بررسی جزئیات این روش هستیم. محتوای قرآن و روایات گویای آن است که قرآن، نه تنها شیوه پرسیدن را رد نمی‌کند؛ بلکه مردم را به آن دعوت می‌کند و با ظرافت بیان می‌دارد که باید از اهل علم پرسید. در قرآن گاهی مردم می‌پرسند و گاهی سؤال از ناحیه خداوند و به هدف تبلیغ معارف دین، برانگیختن تفکر و... است. روایات متعددی در مورد اهمیت پرسش‌گری وجود دارد، با مراجعه به روایات در حوزه‌های فقهی مشخص می‌شود که پیدایش آنها بر پایه پرسش‌گری بوده است. پرسیدن، سبب بالا بردن سطح معلومات، کاهش جهل و نادانی، درک بهتر موضوع و... شده؛ با ایجاد انگیزه، فرد را به سمت کشف ناشناخته‌ها و پیشرفت سوق می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، پرسش و پاسخ، روش‌های تربیتی، تربیت اسلامی، تربیت دینی.

مقدمه

در این مقاله سعی شده جایگاه شیوه تربیتی پرسش و پاسخ در قرآن و آثار مثبت و ارزنده آن به صورت خاص بیان شود.

۱. اهمیت پرسش‌گری

همه انسان‌ها برای تصمیم‌گیری در کارهای مهم، نیازمند اطلاعات جامع و کافی در خصوص مسئله پیش‌رو هستند؛ زیرا یکی از مهم‌ترین روش‌های کسب اطلاعات، پرسش است. پرسش مبدأ و شروع جهش فکری است. کسی که نمی‌داند، باید پرسد تا یاد بگیرد؛ وگرنه همیشه در نادانی خود باقی می‌ماند. در رابطه با اهمیت این موضوع، ضرب‌المثل «پرسیدن عیب نیست، ندانستن عیب است» را شنیده‌ایم.

پرسش‌گری نقش مهمی در پیشرفت و یادگیری دارد؛ هرچه تعداد پرسش‌ها بیشتر و سنجیده‌تر باشد، یادگیری عمیق‌تری صورت می‌گیرد. پرسش باعث شناختن درست و کامل مسئله می‌شود و براساس موقعیتی که فرد در آن قرار دارد کمک می‌کند تا موضوعی که درباره آن بحث می‌شود، برای وی شفاف‌تر شود. طرح پرسش‌های مناسب راه یادگیری و رسیدن به اهداف را هموارتر می‌کند و سبب می‌شود یادگیری عمیق‌تر صورت بگیرد.

اهمیت پرسش در کودکان و دانش‌آموزان به دلیل قرار گرفتن در سن یادگیری، بیشتر است. پرسش کودکان زیر ۵ سال درباره موارد مختلف فقط به این دلیل است که آنها می‌خواهند صحبت کنند، اما به دنبال جواب پرسش‌های خود نیستند. در کودکان بین ۶ تا ۹ سال، پرسش نشانه تفکر و آگاهی است. آنها در مورد چیزهای جدید سؤال می‌کنند؛ در ذهن خود سؤالات متعددی دارند و به دنبال به دست آوردن پاسخ برای آنها هستند (حیدری ابهری، ۱۳۹۶، ص ۱۸).

بنابراین باید مهارت پرسش‌گری در کودکان تقویت شود. اگر این مهارت از کودکی به آنها آموزش داده شود، در آینده نیز از پرسیدن خجالت نمی‌کشند و برای یافتن پاسخ پرسش‌های خود، تلاش می‌کنند و به آگاهی می‌رسند.

توجه به این نکته لازم است که وقتی پرسشی در ذهن فردی ایجاد شد و آن را نپرسید، بر روح و روان وی آثار منفی می‌گذارد. باقی ماندن سؤالات در ذهن و مطرح نکردن آن باعث درگیری ذهنی زیاد و استرس می‌شود و فرد برای حل مشکل خود راه‌حل مناسبی پیدا نمی‌کند و در نتیجه تصمیم‌گیری‌های درستی نخواهد داشت.

امروزه روش‌های گوناگونی برای تعلیم و تربیت وجود دارد. یکی از این روش‌ها، روش پرسش و پاسخ است. درست و سنجیده سؤال کردن و بیان جواب مناسب و شایسته، اموری هستند که باهم ارتباط نزدیک و دوسویه دارند و پایه‌های اندیشه و تفکر را تشکیل می‌دهند. پرسیدن و جواب دادن از یک سو نیاز به اندیشه دارد و از سوی دیگر سبب غنا و گسترش اندیشه می‌گردد.

از دیدگاه تعلیم و تربیت، پرورش انسان‌های خلاق، نیازمند استفاده از روش‌های فعال است که فرد را به سمت تجزیه و تحلیل، تفکر، استدلال و تجربه سوق دهد. لازمه چنین شیوه‌هایی، تربیت افراد به سمت کنجکاوی، طرح پرسش‌های خلاقانه و تفکر در ارائه پاسخ‌های درست به پرسش‌ها و مسائل است.

متأسفانه امروزه از این شیوه تربیتی به درستی استفاده نمی‌شود و غالباً جایگاه آن در کلاس درس و بحث، و صرفاً به منظور سنجش میزان یادگیری متعلم مورد استفاده قرار می‌گیرد که اکثراً هم یک‌سویه و از طرف معلم است و در بقیه موارد و محافل خیلی به آن توجه نمی‌شود. در صورتی که اگر به عمق تأثیرگذاری و پیامدهای مثبت این روش تربیتی بیندیشیم، حتماً آن را به شکل درست و اصولی و با جدیت سرلوحه برنامه‌های تربیتی و علمی خود قرار می‌دهیم.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است: از آنجا که قرآن کریم و به‌طور کلی اسلام بیانگر انواع شیوه‌های مؤثر و صحیح تربیتی است؛ آیا به مقوله پرسش و پاسخ هم توجه کرده است؟ در قرآن و تعالیم دینی این روش در چه جایگاه و مرتبه‌ای قرار دارد؟ در منابع دینی سخن از آثار و پیامدهای مثبت و نهفته پرسش‌گری تا چه میزان بیان شده است؟

در مورد شیوه‌های تربیتی قرآن مسلماً تا به حال نوشته‌های زیادی اعم از کتاب و پایان‌نامه و مقاله و... به رشته تحریر درآمده است؛ مانند:

- کتاب فرهنگ اخلاقی معصومین (رضوان فر، ۱۳۸۴) که در آن مبحثی تحت عنوان «پرسش و پاسخ در قرآن» آمده و ذیل آن صرفاً به بیان چند آیه و روایت در این مورد پرداخته است.

- کتاب سیمای مدیر موفق (موحدی‌نژاد، ۱۳۷۷)، بحثی با عنوان «روش مقایسه و پرسش و پاسخ در قرآن» مطرح می‌کند و از پرسش به‌عنوان یکی از راه‌های معرفتی مثبت یاد کرده است. اما با وجود این، مبحث مستقلاً که به این موضوع پرداخته باشد یافت نشد.

۲. نگرش قرآن به پرسش و پاسخ

قرآن که کتاب هدایت است و راه‌های رسیدن انسان به کمال و تعالی را نشان می‌دهد، نه تنها پرسش را رد نمی‌کند؛ بلکه در آیاتی به صراحت مردم را به پرسیدن دعوت می‌کند: «فَسَلُّوا أَهْلَ الدُّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل: ۴۳)؛ اگر نمی‌دانید از آگاهان پرسید. در این آیه «فاسألوا» به صورت فعل امر آمده و دلالت بر این دارد که برای فهم مسائل شرعی و دینی، سؤال پرسیدن واجب می‌شود. البته چنان که علامه طباطبائی فرمودند: این آیه شریفه ارشاد به یک اصل عقلایی است، و آن واجب بودن رجوع افراد ناآگاه و جاهل به افراد دانا و خبره (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲، ص ۲۵۹).

قرآن برای گسترش فرهنگ پرسش‌گری و ترغیب مردم به آن، دستور می‌دهد که پرسش‌های خود را با افرادی که علم دارند در میان بگذارند. همچنین در جایی دیگر می‌فرماید: «وَسَلُّ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا» (زخرف: ۴۵)؛ از رسولانی که قبل از تو فرستاده‌ایم (از طریق پیروان یا کتابشان) سؤال کن.

با دقت در مفاد آیه متوجه می‌شویم که قرآن پرسش را یکی از راه‌های به دست آوردن علم و یقین می‌داند و در ضمن ظرافت خاصی اشاره می‌کند که از افرادی باید سؤال‌ها و ابهامات را پرسید که اهل علم و آگاه به آن مسئله باشند.

در آیاتی از قرآن اهمیت پرسش و پاسخ به صورت مستقیم و غیرمستقیم مطرح شده است: در جایی سؤال فرشتگان را درباره خلقت انسان از پیشگاه الهی، و پاسخ پروردگار را ذکر کرده است: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۳۰)؛ به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین، جانشینی

[نماینده‌ای] قرار خواهم داد، فرشتگان گفتند: پروردگار! آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟! ما تسبیح و حمد تو را به جا می‌آوریم و تو را تقدیس می‌کنیم. پروردگار فرمود: من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید. درجایی دیگر پرسش‌های حضرت موسی علیه السلام را از حضرت خضر بیان کرده و پاسخ‌های اسرارآمیز حضرت خضر را ذکر می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ممکن است راز بعضی از مسائل برای شخصیت بزرگی چون حضرت موسی علیه السلام پوشیده باشد و معلمی آگاه و آشنا به اسرار پنهان مانند خضر علیه السلام بتواند

پاسخگویی آن باشد (کهف: ۶۵-۸۲).

پرسش در آموزه‌های قرآنی به عنوان یکی از بهترین روش‌های انتقال مفاهیم بلند الهی و مهم‌ترین ابزار رسالت و تبلیغ، مورد توجه قرار گرفته است. در قرآن با دو دسته پرسش مواجه می‌شویم؛ گاهی طرح پرسش از سوی قرآن و پیامبر است و از مردم می‌خواهند تا پاسخگو باشند؛ و گاهی پرسش‌هایی از سوی مردم مطرح می‌شود و قرآن به آنها پاسخ می‌گوید.

در آیات قرآن پرسش‌های متعددی وجود دارد که از سوی مردم مطرح شده و از خدا و پیامبر خواسته شده تا به آنها پاسخ دهند. این پرسش‌ها درباره حکم شراب (بقره: ۲۱۹)، خدا (فرقان: ۵۹)، صفات و خصوصیات خداوند (بقره: ۱۸۶)، حقایق ادعای پیامبر صلی الله علیه و آله درباره قرآن، نبوت، شریعت، بعث، حشر، عذاب و قیامت (یونس: ۵۳)، زنده شدن انسان پس از مرگ (اسراء: ۴۹ و ۵۱؛ یس: ۷۸)، سرنوشت کوه‌ها در آستانه قیامت (طه: ۱۰۵)، زمان قیامت (اعراف: ۱۸۷)، حقیقت روح و روح انسانی (اسراء: ۸۵)، نزول فرشتگان (حجر: ۶۷)، قیاس معبودانی چون بت با حضرت عیسی علیه السلام (زخرف: ۵۸ و ۵۷)، احکام شرعی مربوط به حلال بودن خوردنی‌ها (مائده: ۴)، حیض (بقره: ۲۲۲) صید با سگ شکاری (مائده: ۴)، ارث (نساء: ۱۲۷ و ۱۷۶)، انفاق (بقره: ۲۱۵ و ۲۱۹)، حقوق زنان (نساء: ۱۲۷)، قمار (همان) حج تمتع در هر سال (مائده: ۱۰۱)، ازدواج یتیمان (نساء: ۱۲۷)، داستان‌های تاریخی همچون داستان ذوالقرنین (اسراء: ۸۵) و مانند آن است (عباس‌پور، ۱۳۹۶). قرآن به تمامی این پرسش‌ها، پاسخ‌هایی دقیق و کامل ارائه می‌دهد؛ زیرا بخشی از وظایف پیامبر صلی الله علیه و آله در جهت هدایت انسان‌ها، پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها می‌باشد. دسته دیگر از پرسش‌هایی که در قرآن وجود دارد، سؤالاتی است که از سوی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح شده و از مخاطبان خود می‌خواهند تا به این پرسش‌ها پاسخ دهند.

۳. اهداف پرسش‌گری‌های قرآن

پرسش‌های مطرح‌شده در قرآن با انگیزه و اهداف گوناگونی انجام گرفته است:

۳-۱. تبلیغ معارف و تعالیم الهی

در این خصوص می‌توان از آیاتی مانند آیه ۸۰ سوره بقره و آیات ۹۱ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۲۱۱ از همان سوره و نیز آیات ۱۵ و ۲۰ از آل عمران و نیز آیات ۷۵ و ۶۰ از سوره مائده نام برد.

۳-۲. اصلاح اعتقاد و باورهای غلط مخالفان

قرآن برای اصلاح باورها و اعتقاد غلط یهودیان و مسیحیان دربارهٔ ادعای فرزندی و دوستی با خدا، این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه شما فرزند و دوست خدا هستید؛ ولی همین خدا، شما را در دنیا و آخرت عذاب می‌کند؟ «وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبُّهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ» (مائده: ۱۸)؛ به این معنا که اگر باورتان درست است، خدا نباید جز با مهر و محبت با شما رفتار کند؛ ولی چرا بر شما خشم می‌گیرد و عذاب می‌کند؟

در واقع پیامبر ﷺ در قالب پرسش، به پندار باطل مخالفان پاسخ می‌دهد و آنان را متوجه این حقیقت می‌سازد که برخلاف باور غلطی که دارید، گرفتار عذاب الهی می‌شوید. همان خدا شما را به سبب نافرمانی که انجام می‌دهید، گرفتار کرده است. بنابراین اعتقاد شما که خود را فرزند و دوست خدا می‌دانید، نمی‌تواند درست باشد. یکی از فایده‌های مهم پرسش‌گری قرآن، آشکار کردن تناقض‌گویی در کلام مخالفان است تا با این شیوه به اصلاح اعتقادات و باورهای آنان بپردازد.

۳-۳. اقرار گرفتن از مخاطب

از دیگر اهداف و کارکردهای پرسش‌گری در قرآن که از سوی خداوند و پیامبر ﷺ به کار گرفته شده؛ اقرار گرفتن از مخاطب است. خداوند در آیه ۱۰۱ سوره «اسراء» به پیامبر ﷺ مأموریت می‌دهد تا برای یهودیان معاصر خود این پرسش را بیان کند که آیا فرعون در برابر معجزات آشکار حضرت موسی ﷺ فردی حق‌پذیر بود؟ و آنان با اقرار بر حق‌ناپذیری فرعون در برابر معجزات حضرت موسی ﷺ در حقیقت چهره واقعی خود را نشان می‌دهند. به دلیل اینکه یهودیان عصر پیامبر ﷺ هم مانند فرعون افرادی بودند که از حق رویگردان بودند و با آنکه در برابر معجزهٔ روشن پیامبر ﷺ قرار می‌گرفتند و آن را حق می‌دانستند، باز هم نمی‌پذیرفتند و آن را همانند فرعونیان سحر می‌پنداشتند.

بنابراین با گرفتن اقرار از طریق پرسش، می‌توان حقیقتی را به اثبات رساند و فرد مخالف را متوجه موضع‌گیری باطلش کرد.

۳-۴. ایجاد زمینه‌های تفکر و تدبیر

بدون شک مهم‌ترین نقش پرسش را می‌توان علاوه بر شناخت حقیقت و رسیدن به حقایق و از میان بردن جهل و نادانی، به‌وجودآوردن زمینه‌های تفکر و تدبیر دانست. گوینده با طرح پرسش‌های مناسب و به‌جا، می‌تواند ذهن مخاطب را درگیر کرده و او

را نسبت به موضوع مورد بحث و ابعاد آن به تفکر وادارد. پیامبر ﷺ که مأموریت تعلیم و تزکیه بشریت را بر عهده داشت و بزرگ‌ترین معلم و مربی الهی بود، از این روش به خوبی استفاده می‌کرد. در آیات بسیاری از قرآن از جمله آیات ۹۸ سوره «زمر»، پیامبر ﷺ درصدد بود با پرسش‌های گوناگون از مخالفان و کافران، فکر و اندیشه آنها را برانگیزد و ایشان را به تدبیر، تحقیق و پژوهش دربارهٔ خود و محیط پیرامون تشویق کند، تا با به‌کارگیری خرد و اندیشه به حقیقت دست یافته و در مسیر آن حرکت کنند. مانند آیات ۲۶ سورهٔ انعام و ۷۱ و ۷۲ سوره قصص که پیامبر ﷺ درصدد برانگیختن فکر و اندیشه و ایجاد زمینه‌های تفکر و پذیرش حقیقت در میان مشرکان است.

۳-۵. تهدید از طریق پرسش‌گری

از دیگر کارکردهای پرسش‌های مطرح شده در قرآن تهدید است، که از آیهٔ ۲۱۱ سورهٔ «بقره» می‌توان آن را به دست آورد. خداوند در این آیه با طرح پرسش سعی می‌کند تا به یهودیان نسبت به عاقبت شوم رفتارشان هشدار دهد و آنان را با اشاره به عملکرد و عاقبت بد اقوام پیش از خود، تهدید کند.

۳-۶. مبارزه با هرگونه بدعت و توهّمات

یکی دیگر از کارکردهای پرسش‌های قرآن مبارزه با هرگونه بدعت و توهّمات است. خداوند از این روش در آیهٔ ۳۲ سورهٔ «اعراف» برای توجه دادن انسان به اصل کلی حلیت در استفاده از نعمت‌های دنیا و مبارزه با هرگونه بدعت‌ها و تحریم‌های ناشی از توهّمات بشری استفاده کرده و با طرح پرسش و پاسخ مناسب، این مسئله را به خوبی روشن کرده و توضیح داده است.

در زمینهٔ هدف از پرسش‌های قرآن، علاوه بر موارد فوق، می‌توان به بیدار کردن وجدان‌های خفته (انعام: ۵۰-۵۱)، احتجاج (یونس: ۲۸-۳۲)، تقریر (انعام: ۷۱) و غیره اشاره کرد. در حقیقت آنچه باعث تمایز انسان از سایر موجودات می‌شود، برخوردارگی از عقل و قوهٔ تعقل است. پرورش و رشد عقل در سایهٔ پرسیدن و پرسش‌گری به دست می‌آید. پرسش، نخستین قدم برای پژوهش، تحقیق، فهمیدن و نقطهٔ شروع برای رسیدن به حقیقت است. فردی که می‌پرسد و به دنبال یافتن جواب صحیح و درست است، در واقع فهم و درک خویش را از حقیقت افزایش می‌دهد. دانش از پرسش آغاز می‌شود و سبب تولید علم و نظریات جدید می‌گردد.

۴. اهمیت و جایگاه پرسش و پاسخ در روایات اسلامی

براساس آموزه‌های دینی و قرآنی، کسانی که درباره مسئله‌ای برایشان سؤال ایجاد می‌شود، باید سراغ افراد آگاه در آن زمینه بروند و پاسخ سؤالات خود را پیدا کنند. کسانی هم که علم کافی دارند، وظیفه دارند به افرادی که از آنها سؤال می‌کنند، پاسخ صحیح دهند؛ حتی اگر آن مسئله بدیهی و ساده باشد و همه پاسخ آن را بدانند.

سؤال کردن از نظر روایات برای فهم و افزایش دانش و بینش جایگاه والایی دارد؛ پیامبر اکرم ص می‌فرماید: «حَسَنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۲۱)؛ خوب پرسیدن نیمی از علم است. از امام محمدباقر ع روایت شده که فرمودند: «أَلَا إِنَّ مِفْتَاحَ الْعِلْمِ السُّؤَالُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶، ص ۳۵۹)؛ کلید دانش و رسیدن به عرصه‌های جدید، سؤال است. براساس شواهد تاریخی باید اذعان کرد که پایه بیشتر روایات در حوزه‌های اعتقادی، تاریخی و فقهی بر پرسش‌گری بوده است.

در نزد ائمه اطهار ع نیز، پرسش‌گری جایگاه والایی داشته و برای آن اهمیت خاصی قائل بودند و جایگاه این روش را به خوبی می‌شناختند و به جرئت می‌توان گفت آن را بهترین روش برای آموزش و پرورش علمی می‌دانستند و با رفتار و گفتار خود، این اهمیت را گوشزد می‌کردند (حسینی‌زاده، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۱۱۵)؛ چنان‌که امیرمؤمنان علی ع در حال جنگ صفین و بحبوحه درگیری و فرماندهی و مدیریت میدان جهاد، به پرسش پیرمردی درباره توحید پاسخ دادند و در پاسخ اعتراض برخی فرمودند: «ما در اینجا برای همین می‌جنگیم تا مردمان را به توحید بخوانیم و آنان را با آن آشناسازیم» (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۲۸۴).

اهمیت پاسخ‌گویی به سؤالات افراد به قدری زیاد است که فاطمه زهرا ع با صبر و حوصله و به تفصیل به سؤالات دیگران پاسخ می‌داند. شهید ثانی نقل می‌کند که زنی به محضر فاطمه زهرا ع رسید و عرض کرد مادری دارم ضعیف‌المزاج که در مسائل نمازش با اشکال مواجه می‌گردد؛ مرا نزد شما فرستاد تا پرسش‌هایش را با شما در میان بگذارم. فاطمه زهرا ع به پرسش‌های وی پاسخ داد و وقتی که تعداد پرسش‌ها و پاسخ‌ها به ده رسید، آن زن به علت زیادی سؤال‌هایش شرم‌زده شد و گفت بیش از این مزاحم نمی‌شوم. حضرت فرمود: «هر سؤالی داری بپرس». آن‌گاه به او فرمود: «اگر کسی در مدت یک روز بار سنگینی را به دوش کشد و آن را به بالای بام ساختمانی حمل کند و هزار دینار مزد

دریافت کند؛ آیا برای او انجام چنین کاری ناگوار و غیرقابل تحمل خواهد بود؟» آن زن عرض کرد نه. فاطمه زهرا ع فرمود: «من هم خود را اجیر خدا قرار داده‌ام و ثوابی که با پاسخ به هر سؤالی می‌دهم بیش از مجموع در و مروریدی است که میان زمین و آسمان را پر می‌کند و زحمتی برایم در پاسخ‌گویی به پرسش‌های تو نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳).

امام محمدباقر ع درباره فایده سؤال کردن می‌فرماید: «أَنَّ هَذَا الْعِلْمَ عَلَيْهِ قُفْلٌ وَ مِفْتَاحُهُ السُّؤَالُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۹۸)؛ بر در علم و دانش قفلی است که با سؤال و پرسش گشوده می‌شود. نیز می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ مِفْتَاحَ الْعِلْمِ السُّؤَالُ» (همان، ج ۳۶، ص ۳۵۹)؛ بدانید که کلید دانش، رسیدن به عرصه‌های جدید سؤال است. امام صادق ع نیز هلاکت مردم را به‌خاطر نپرسیدن و جهل می‌دانند: «إِنَّمَا يَهْلِكُ النَّاسُ لِأَنَّهُمْ يَسْأَلُونَ» (همان، ج ۱، ص ۱۹۸).

روایتی از پیامبر اکرم ص نقل شده که می‌فرماید: «دانش مخازن و انبارهاست و کلیدهای آن پرسش و درخواست فهم و تحصیل آن است؛ بنابراین به پرسش و سؤال روی آورید تا خدا شما را مورد رحمت قرار دهد؛ زیرا در سؤال به چهار نفر پاداش می‌رسد: سؤال‌کننده، پاسخ‌دهنده، گوش‌دهنده، و دوستدار اینان» (انصاریان، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۵۵).

مرحوم کلینی در کتاب *اصول کافی* بابی را به روایات «پرسش از عالم» اختصاص داده که در اینجا چند روایت را ذکر می‌کنیم: یکی از اصحاب امام صادق ع می‌گوید: از حضرت پرسیدم، مردی مبتلا به ابله بود، او را غسل دادند و بر اثر آن مُرد؛ فرمود: او را کشتند! چرا مسئله را نپرسیدند؟ هر آینه داروی نفهمی و نادانی، پرسیدن است (بلاغی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۲۵). در سخن دیگر فرمود: «إِنَّمَا يَهْلِكُ النَّاسُ لِأَنَّهُمْ لَا يَسْأَلُونَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۹۸)؛ چون عده‌ای از مردم از پرسیدن خودداری می‌کنند، به هلاکت می‌افتند. درباره اهمیت سؤال و دین‌شناسی فرمود: «لَا يَسَعُ النَّاسَ حَتَّى يَسْأَلُوا وَ يَتَفَقَّهُوا وَ يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ وَ يَسْعَهُمْ أَنْ يَأْخُذُوا بِمَا يَقُولُ» (همان، ج ۱، ص ۲۲۱)؛ مردم در آسودگی و گشایش نیستند، مگر اینکه بپرسند و بفهمند و امام خویش را بشناسند و مطابق گفته او عمل کنند. در سخن دیگر امام صادق ع از پیامبر اکرم ص نقل کرده که فرمود: «أَفْ لِرَجُلٍ لَّا يُفْرَغُ نَفْسَهُ بِكُلِّ جُمُعَةٍ لِأَمْرِ دِينِهِ» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۵)؛ اف بر کسی که خود را هر روز جمعه برای دینش آماده نکند تا با آن تجدید پیمان کرده و از مسائل مربوط به دینش سؤال کند.

با مراجعه به روایات شیعی در همه حوزه‌های اعتقادی، فقهی و

که ارزشی برای وی و سخنانش قائل نیست. حال اگر مخاطب با فرد گوینده ارتباط کلامی برقرار کند و در زمینه موضوع، پرسش‌های معقولی را مطرح سازد و نظر او را جویا بشود و برای اطمینان از درک درست موضوع، سخنان او را با عباراتی واضح‌تر که خود فهمیده است، بیان کند و از او نظرخواهی کند؛ در این وقت گوینده احساس می‌کند که مخاطب برای او ارزش قائل است به سخنانش خوب و با دقت توجه می‌کند. بنابراین ادامه موضوع را با وجد و شغف بیان می‌کند؛ زیرا مخاطب و شنونده صاحب سخن را بر سر ذوق آورده است.

۴-۲. درک کامل از موضوع

پرسیدن کلید فهم و دانایی است. پرسش، حرکت ذهن به طرف درک درست و کامل است. پرسش، علامت خاطرجمعی بین مخاطب و گوینده است که افهام و تفهیم به صورت خوب و قابل قبول انجام شده است. بدون سؤال، هیچ اطلاعات درست و کاملی عاید مخاطب نمی‌شود. پرسش است که ذهن مخاطب را فعال کرده، میان موضوعات مختلف ارتباط برقرار می‌کند؛ به شنیده‌ها و ذهن، هدف‌داری می‌بخشد و زمینه‌ای برای درک کامل موضوعات فراهم می‌سازد.

۴-۳. کشف ناشناخته‌ها و هدایت به سوی پیشرفت و کمال
پرسش، نیرویی دارد که ناخودآگاه احساسات را تغییر می‌دهد. بینش را متحول می‌کند. شک را به یقین، و یا یقین را به شک تبدیل می‌کند. با کمی دقت متوجه می‌شویم که تمام اسباب و لوازمی که در اطراف خود می‌بینیم، نقطه پیدایش اولیه آنها از یک پرسش ساده شروع شده که آدمی برای یافتن جوابش به این تغییرات و تحولات، اکتشافات و اختراعات و تمدن امروزی رسیده است؛ مانند افتادن سیب بر سر نیوتن که منجر به طرح این سؤال شد که چرا سیب هنگام جدا شدن از درخت، به سمت زمین آمد و مثلاً به سمت آسمان نرفت؛ و این امر منجر به کشف نیروی جاذبه زمین گشت. تا سفر به پهنای بی‌انتهای کهکشان‌ها و... همه و همه ریشه در پرسش دارند.

۴-۴. به وجود آمدن اعتمادبه‌نفس و جرئت

زمانی که انسان درک کاملی از موضوع مورد بحث دارد؛ به دلیل همان دانایی، هنگام بحث و گفت‌وگو دیگر استرس و تشویشی ندارد. با قدرتی که علم به او بخشیده است نسبت به موضوع اظهار نظر می‌کند و از نظر

تاریخی روشن می‌شود که همه آنها بر پایه پرسش و پرسش‌گری بوده است (مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه علمی قم، ۱۳۸۹).
با توجه به مطالب گفته‌شده می‌توان به این نتیجه قاطع درباره نسبت اسلام و پرسش‌گری دست یافت، که در اسلام به‌طور مؤکد پرسش‌گری به رسمیت شناخته شده است؛ دلیل آن هم جایگاه والای این مسئله در منابع دینی، یعنی کتاب و سنت است.
یکی از واژه‌هایی که در قرآن وجود دارد کلمه «فسئلوا» است کلمه‌ای که باید به آن توجه خاص کرد. چه اسراری در پرسش نهفته است که قرآن امر و ترغیب به آن می‌کند؟ فایده پرسیدن چیست؟ جایگاه این واژه در زندگی ما به چه اندازه است؟ ما چقدر با پرسش مأنوس هستیم؟ عموم مردم توجهی به اهمیت پرسش نکرده و آن را امری بسیار ساده و پیش‌پا افتاده می‌پندارند و از کنار این موضوع و اهمیت آن با بی‌تفاوتی می‌گذرند.

اما کسانی که طعم شیرین پرسش را چشیده و به نتایج سودمند آن پی برده‌اند، هرگز از آن غفلت نمی‌کنند. جوامعی که به مفید بودن پرسش پی برده‌اند آن را همانند اشعه لیزری برای برطرف کردن موانع می‌دانند و آن را مرز میان انسان‌های موفق و ناموفق برمی‌شمارند و برای پرسیدن، قدرت اعجاز‌آوری قائل هستند. عموم مردم پرسش‌گری و کنجکاوای را مخصوص اطفال می‌دانند و خود را بی‌نیاز از استفاده از پرسش می‌دانند و حتی در برخی جاها آن را برای خود ننگ و نقصان شخصیت می‌پندارند. درحالی که پرسش و سؤال باعث بالا بردن درک پرسش‌گر می‌شود. وی را بر موضوع مسلط می‌سازد، به او اعتمادبه‌نفس و جرئت می‌بخشد. تفاهمات را گسترش داده و مشکلات را مشخص می‌سازد، عقاید را روشن کرده و نگرش‌ها را تغییر می‌دهد. برای پرسش‌گر و جواب‌دهنده، انگیزه ایجاد می‌کند، شوق می‌آفریند و محک می‌زند و ارزیابی می‌کند. برای پرسش‌گری فواید بسیاری وجود دارد که برخی از آنها اشاره می‌شود:

۴-۱. برقراری ارتباط دوطرفه

زمانی که فردی در حال گفت‌وگو با مخاطب خود است، اگر مخاطب تا آخر صحبت هیچ پرسشی را مطرح نکند، چه احساسی در گوینده نسبت به مخاطب ایجاد می‌شود؟ چه درکی از وی در وجود گوینده شکل می‌گیرد؟ طبیعی است که گوینده تمایلی به ادامه این گفت‌وگوی یک‌طرفه نخواهد داشت و درک او از مخاطب، یک فرد بی‌توجه است

۲-۶. مفید و به جا بودن

در دین توصیه و سفارش زیادی به سؤال و جواب شده است؛ ولی گاهی همان شرع و دین، افراد را از بعضی پرسش‌ها نهی کرده است. چون شنیدن برخی از پرسش‌ها برای پرسش‌کننده قابل تحمل نیست؛ مانند پرسش از زمان مرگ و از بین رفتن توانایی و ثروت و...؛ زیرا اگرچه هدف سؤال‌کننده در این‌گونه موارد این است که می‌خواهد به وسیله سؤال از خطراتی که او را تهدید می‌کند، باخبر شده و برای دفع آن بکوشد؛ ولی چه‌بسا با پی‌گیری مطلب و اطلاع از آن، مشکل بزرگ‌تری برایش ایجاد کرده و سبب نابودی وی می‌گردد؛ زیرا افراد بسیاری هستند که با نزدیک دیدن خطر، روحیه خود را باخته و توان مقاومت را از دست می‌دهند و نمی‌توانند از فرصت کوتاهی هم که در اختیار دارند به‌درستی استفاده کنند. در صورتی که همین افراد اگر با حفظ آرامش در آن فرصت به تلاش بپردازند، چه‌بسا خطر برطرف شده و یا آنها راه نجاتی برای رهایی از آن مخمصه پیدا کنند. گاهی پاره‌ای از مسائل هست که تا انسان به آن علم نداشته باشد، تکلیف و وظیفه‌ای به عهده‌اش نمی‌آید؛ ولی به‌محض پرسش و اطلاع از آن، موظف به عمل شده و وظیفه‌اش سنگین می‌شود. به همین دلیل در قرآن و روایات از مطرح کردن پاره‌ای از پرسش‌ها نهی شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ» (مائده: ۱۰۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما آشکار گردد، شمارا ناراحت می‌کند. مثلاً اگر کسی از تاریخ فوتش بپرسد و آگاه شود، بی‌گمان از نشاط و تلاش بازمی‌ماند و هر روزی که بر وی می‌گذرد، احساس می‌کند مرگش نزدیک‌تر شده است.

در تفسیر مجمع‌البیان، در سبب نزول این آیه شریفه روایتی از امیرمؤمنان علیؑ بدین شرح نقل شده است که: روزی پیامبرؐ خطبه‌ای خواند و فرمان خدا را درباره حج بیان کرد؛ شخصی به نام عکاشه، و به روایتی سراقه، پرسید آیا این دستور برای هر سال است و هر سال باید حج بگذاریم؟ پیامبرؐ فرمود: وای بر تو چرا این‌همه اصرار می‌کنی؟ اگر من در جواب تو بگویم، بلی، حج همه‌ساله بر تمام شما واجب می‌شود؛ آن‌گاه توانایی انجام آن را نخواهید داشت و اگر با آن مخالفت کنید، گناه‌کار خواهید بود؛ بنابراین مادامی که چیزی به شما نگفته‌ام، روی فهم آن اصرار نورزید؛ زیرا یکی از اموری که در گذشته مایه هلاکت بعضی از اقوام پیشین گشت، لجاجت و پرحرفی آنان بود

خود دفاع می‌کند. اعتمادبه‌نفس در فرد شکل می‌گیرد و احساس بالندگی می‌کند. بنابراین پرسش تنها راه جذب اطلاعات و ذخیره آن و بالا بردن گنجایش گنجینه ادراکات است که یکی از فواید آن به‌وجود آمدن اعتمادبه‌نفس و جرئت در وجود فرد است (فیاضی، ۱۳۸۸).

۵-۴. تقویت قوه تفکر

پرسش در اغلب موارد موجب تقویت قوه تفکر جواب‌دهنده می‌شود؛ زیرا برای پاسخ درست و مناسب باید با دقت به سؤال یا سؤالاتی که مطرح می‌شود، گوش دهد و تمرکز خود را بر بیان جواب صحیح قرار دهد. هرچقدر دقت در طرح سؤال و بیان جواب بیشتر باشد و سؤالات به صورت پی در پی و پیوسته پرسیده شود، زوایای بیشتری از موضوع و مسئله شکافته شده و آموزش عمیق‌تر و گسترده‌تری صورت می‌گیرد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۱۱۹).

۵. چگونه باید پرسید؟

هر فردی باید درباره کیفیت طرح سؤال و نحوه پرسیدن اطلاعاتی داشته باشد، تا از پرسش خود نتیجه مطلوب بگیرد. خوب سؤال کردن و درست پرسیدن، به‌اندازه‌ای اهمیت دارد که پیامبر اکرمؐ آن را به‌عنوان نیمی از علم می‌داند: «حَسَنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۷۳)؛ خوب پرسیدن نیمی از علم است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۳۳۱).

امیرمؤمنان علیؑ می‌فرماید: «خوب سؤال کردن نیمی از دانش است» و نیز فرمود: «آن‌کس که خوب بپرسد، دانا می‌شود و کسی که دانا باشد، خوب سؤال می‌کند» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳، ص ۹).

۶. ویژگی‌های پرسش مناسب

۱-۶. داشتن هدف و انگیزه

داشتن انگیزه و هدف در سؤال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چنان‌که می‌بینیم وقتی شخصی مسئله پیچیده‌ای را از امیرمؤمنانؑ پرسید، حضرت فرمود: «همواره برای کسب آگاهی پرسش کن، نه برای بهانه‌جویی و ایجاد دردسر؛ چون نادانی که آماده یادگیری باشد، شبیه عالم است و عالم و دانشمند خلاف‌گو هم چون نادانی است که بهانه‌جو است» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۳۲۰). در سخن دیگر فرمود: «از آنچه تحقق نیافته پرسش نکن؛ چه، در آنچه واقع شده است به‌اندازه کافی جای بحث و سؤال و جواب وجود دارد» (همان، حکمت ۳۶۴).

منابع.....

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، مشرقین.
- انصاریان، حسین، ۱۳۹۳، تفسیر حکیم، قم، دارالعرفان.
- بلاغی، محمدجواد، ۱۳۷۸، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، تحقیق واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، قم، مؤسسه بعثت.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۸۳، غرر الحکم و درالکلم، قم، دارالحدیث.
- حیدری ابهری، غلامرضا، ۱۳۹۶، «روش‌شناسی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی کودکان و نوجوانان»، پاسخ به شبهات، ش ۵، ص ۱۵-۳۱.
- رضوان‌فر، احمد، ۱۳۸۴، فرهنگ اخلاق معصومین، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
- حسینی زاده، سیدعلی، ۱۳۸۲، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، ج ۴ (نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش‌های دینی)، قم، حوزه و دانشگاه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰، الق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۳۷۲، ترجمه تفسیر مجمع‌البیان، تهران، ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی.
- عباس‌پور، مجید، ۱۳۹۶، پرسش‌گری زمینه‌ساز تفکر و شناخت، در: www.kayhanravan.ir
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فیاضی، ایراندخت، ۱۳۸۸، «پرسشگری راهبرد هویت‌پایدار دینی در قرآن کریم»، تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۹۸، ص ۳۷-۶۷.
- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۶، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث.
- مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹، «پرسشگری در اسلام چه جایگاهی دارد؟»، ائقی حوزه، ش ۲۷۹.
- موحدی‌نژاد، محمد، ۱۳۷۷، سیمای مدیر موفق، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

که از پیامبرشان زیاد سؤال می‌کردند. بنابراین هنگامی که به شما دستوری می‌دهم، به اندازه توانایی خود آن را انجام دهید و هنگامی که از چیزی نهی می‌کنم، خودداری کنید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۴۹).

با اینکه سؤال کردن کلید فهم حقایق است؛ ولی در کلام معصومان ﷺ از پرسش‌های بی‌جا نهی شده است. امیرمؤمنان علی ﷺ می‌فرمود: «خداوند فریضی بر شما واجب کرده است؛ آنها را ضایع نکنید و حد و مرزهایی برای شما تعیین کرده؛ از آن تجاوز نکنید و از چیزهایی شما را نهی کرده، حرمت آنها را پاس دارید و از اموری سکوت کرده، نه به‌خاطر فراموشی، بلکه به‌خاطر مصالحت‌هایی، خود را برای فهم آنها به‌زحمت نیندازید» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، حکمت ۱۰۵).

با دقت در آیات قرآن و روایات معصومان ﷺ متوجه می‌شویم که پرسش کردن آداب و شرایطی دارد. در صورتی که آداب و ضوابط آن رعایت شود، امر بسیار خوب و پسندیده‌ای است که می‌تواند درهایی از علم و دانش را به روی انسان بگشاید و گرهایی را در زندگی‌اش باز کند.

نتیجه‌گیری

امروزه روش‌های گوناگونی برای تعلیم و تربیت وجود دارد که پرسش و پاسخ یکی از آنهاست. از دیدگاه تعلیم و تربیت، پرورش انسان‌های خلاق نیازمند استفاده از روش‌هایی است که فرد را به سمت تجزیه و تحلیل و استدلال و تفکر سوق می‌دهد. برای تحقق این مهم، فرد باید به سمت طرح سؤال و تفکر برای پاسخ درست و مناسب سوق داده شود.

قرآن که کتاب هدایت است و راه‌های رسیدن انسان به کمال و تعالی را نشان می‌دهد، نه تنها پرسش را رد نمی‌کند؛ بلکه مردم را صراحتاً به پرسیدن دعوت می‌کند و با ظرافت بیان می‌کند که برای رفع جهل و کسب دانش باید از اهل علم و فن پرسید و کسب علم کرد از معصومان ﷺ نیز روایات متعددی در مورد ارزش و اهمیت پرسش بیان شده است، که خود از جایگاه والای این روش سخن می‌گوید. همچنین با مراجعه به روایات در همه حوزه‌های اعتقادی، فقهی، تاریخی روشن می‌شود که پیدایش همه آنها بر پایه پرسش و پرسش‌گری بوده است. پرسیدن و طرح سؤال علاوه بر بالا بردن سطح معلومات فرد و از بین بردن جهل و نادانی وی، سبب درک کامل از موضوع، افزایش تفاهم و استحکام رابطه با گوینده شده و فرد را به سمت کشف ناشناخته‌ها و هدایت به سمت پیشرفت و تعالی سوق می‌دهد.

البته باید توجه کرد که پرسش و پاسخ آداب خاص خود را دارد که باید برای طرح بهتر سؤال و درک عمیق‌تر جواب آنها رعایت شود و از طرح سؤالاتی که بی‌پهلو است، پرهیز شود.